

درآمد: شعری از ادیب بیضائی کاشانی

از شیر بیشه افزون تهدید میکنند	برفینه شیرها بسر رهگذارها
گر شیر بیشه میکند از جسمها شکار	این شیرها کنند زجانها شکارها
آب از یخ آنچنان متحجر کزان بدهر	ماند ز سال سیصد و ده یادگارها
بیرون کند اگر سر از آب روان حباب	روئین شود چو کلهء اسفندیارها
سودا همی پزد شب دی وز مه غلیظ	از دیگ کاینات براید بخارها
گر جویبارها ز یخ افسر پاک نیست	بد مهری فلک بس از این کرده کارها
بشکیب چند مه که جهانرا جوان کنند	چون طبع سید الادبا جویبارها
شیخ الرئیس مفخر آزادگان که هست	ما را ز خدمت در او افتخارها
	از کاشانی ادیب بیضائی